

تأملی درباره جایگاه و مؤلفه‌های تربیت اخلاقی کودکان در خانواده

(براساس دیدگاه امام علی علیه السلام)

مریم اصفهانی*

چکیده

دنایای معاصر بیش از هر زمان دیگری با مشکلات مختلف اخلاقی مواجه است. مراد از تربیت اخلاقی، فرایند ایجاد و پرورش فضایل اخلاقی در فراگیران و کوشش برای بازداشتن آن‌ها از رذایل اخلاقی در مقام نظر و عمل است. با توجه به اهمیت تربیت اخلاقی، پرداختن به مباحث مربوط به اخلاق و تربیت اخلاقی از جایگاه رفیعی برخوردار است. امام علی علیه السلام، اولین پیشوای شیعیان، نکات برجسته‌ای درباره تربیت اخلاقی بیان فرموده است. پژوهش حاضر می‌کوشد با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به واکاوی جایگاه و مؤلفه‌های تربیت اخلاقی کودکان در خانواده از دیدگاه امام علی علیه السلام بپردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد امام مراحل تربیت اخلاقی را براساس مراحل اخلاق به سه دوره هفت ساله تقسیم کرده و درباره مؤلفه‌های تربیت اخلاقی (هدف غایی، اهداف واسطه‌ای، اصول و روش‌ها) مواردی را به صورت کاربردی ارائه کرده است. الگوبرداری از سیره حضرت علی علیه السلام، بهره‌گیری از روش‌های تربیتی اسلامی و پرورش نسل صالح می‌تواند راهگشای سعادت دنیوی و اخروی باشد.

*دانش‌آموخته دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه علوم و تحقیقات واحد تهران.



واژه‌گان کلیدی

امام علی علیه السلام، تربیت اخلاقی، مراحل، اهداف، اصول و روش‌ها.

مقدمه

تعلیم و تربیت، ابعاد مختلفی دارد که عبارتند از: تربیت جسمانی، اخلاقی، معنوی، اجتماعی، جنسی، عاطفی و عقلانی. یکی از مؤثرترین و درعین حال دشوارترین مباحث تعلیم و تربیت، تربیت اخلاقی است. درحقیقت، به دلیل اهمیت ارزش‌ها و اخلاقیات در سعادت فردی و اجتماعی بشر، محققان و دست‌اندرکاران تربیت، پیروان ادیان الهی و به‌طور کلی مصلحان اجتماعی همواره به تربیت اخلاقی توجه داشته‌اند (نک: وجدانی، ۱۳۹۷: ص ۱۱۵-۱۴۲). بشر امروزی به دلیل رویارویی با بحران هویت انسانی و ارزش‌های اخلاقی ناگزیر است به ارزش‌های اخلاقی روی آورد (نجارزادگان، ۱۳۸۸: ص ۲۲). تربیت اخلاقی به منزله یکی از جلوه‌های متعالی تعلیم و تربیت که هدف عمده آن رشد اخلاقی کودکان است، امری است که مربیان و معلمان ناچارند مستقیم و غیرمستقیم بدان توجه کنند (رهنما، ۱۳۷۸: ص ۱). بنابراین، علم اخلاق و در پی آن تربیت اخلاقی از کامل‌ترین علوم مقدمی است که انسان‌ها به آن نیاز مبرم دارند^۱ (میناگر، ۱۳۸۱: ص ۱۲). انسان، در جایگاه موجودی هدفمند و اندیشه‌ورز، تنها در پرتو تربیت صحیح است که به اهداف و آرمان‌های خود دست می‌یابد و قله رفیع سعادت مطلوب خویش را فتح می‌کند؛ تربیت اخلاقی برای انسان مسلمان ضرورتی مضاعف دارد؛ زیرا انسانی که گردنبندی از مرواریدهای دین و بندگی خالق متعال را بر گردن آویخته است، جز در پرتو تربیت اخلاق اسلامی به مدال افتخار عبودیت و تسلیم نائل نمی‌آید. از سویی دیگر، انسان مسلمان برای پیمودن راه سعادت و بندگی به الگوهای مطمئن عملی نیاز دارد تا با پیروی از دیدگاه‌ها و سیره عملی آنان، هم راه درست بندگی و سعادت را بی‌ماید و هم در این وادی سریع‌تر گام بردارد و به مقصد برسد. از این رو، معصومان علیهم السلام بهترین الگوهای تربیتی

۱. مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ: اگر انسان نفس خویش را شناخت، اعانت بر شناخت آفریدگار خود می‌کند. (خوانساری، ۱۳۸۴، ج ۲: ص ۱۶۴).



هستند و تبیین دیدگاه‌ها و کشف و عرضه سیره تربیتی آنان يك ضرورت انکارنشدنی در عرصه تعلیم و تربیت اسلامی است. در این میان، تحلیل دیدگاه‌ها و سیره تربیتی امام علی علیه السلام - که خود «آب الائمه» و سرسلسله جانشینان برحق نبوی، سرآغاز تجلی‌گاه امامت معصومان علیهم السلام و نخستین تشکیل‌دهنده حکومت اسلامی علوی است - اهمیت دوچندان دارد.

امروزه مفهوم تربیت اخلاقی دستخوش دگرگونی‌هایی شده است؛ از این‌رو، تعریف عارفان و اندیشمندان اخلاقی پیشین - اعم از مسلمان و غیرمسلمان - از اخلاق و تربیت اخلاقی با آنچه اکنون به این نام خوانده می‌شود، متفاوت است (ر.ک: اسمتانا، ۱۹۹۹م: ص ۹۲-۸۵). این اختلاف نظر به زمان شروع تربیت اخلاقی مربوط می‌شود. بررسی تعاریف تربیت اخلاقی نشان می‌دهد بیشتر اندیشمندان، تربیت اخلاقی را به دوره خاصی محدود نمی‌دانند؛ اما به دلیل درک متفاوت از مفهوم تربیت اخلاقی، درباره سن آغاز تربیت اخلاقی، اختلاف نظرهایی دارند (نک: آرمند و مهرمحمدی، ۱۳۸۸: ص ۶۲-۲۵؛ گلستانی، ۱۳۸۰: ص ۱۱۵-۱۳۰؛ حسنی و دیگران، ۱۳۹۱: ص ۲۹۵-۲۸۱؛ رهنما، ۱۳۸۵: ص ۳۴-۲۱). با توجه به اینکه در قرآن کریم، درباره زمان شروع کودکی، آشکارا، سخنی به میان نیامده و در بعضی آیات لفظ «طفل» به کار رفته و به روند خلقت انسان توجه شده است، به نظر می‌رسد از دیدگاه قرآن آغاز کودکی، زمان انعقاد نطفه و پایان آن بلوغ است (اعرافی، ۱۳۹۳: ص ۷۵)؛ درحالی که براساس دیدگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، دوره کودکی از تولد تا ۱۲-۱۳ سالگی را دربرمی‌گیرد و سه مرحله کودکی اولیه (شیرخوارگی: از تولد تا ۲ سالگی)، کودکی میانه (۲ تا ۷ سالگی) و کودکی پایانی (۷ تا ۱۲-۱۳ سالگی) برای آن در نظر گرفته شده است (آذربایجانی و شجاعی، ۱۳۹۳: ص ۱۰۷). البته امام علیه السلام در مبحث تربیت اخلاقی، کودکی را به سه دوره هفت‌ساله تقسیم کرده است. دوران کودکی، دوران تقسیم شاکله و تکوین شخصیت انسانی است و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به همین دلیل است که گفته‌اند: «کودک در پنج سالگی، نسخه کوچکی از شخص جوانی است که بعداً خواهد بود». در این دوره باید با رعایت اصول تعلیم و تربیت و سازگاری‌های مناسب، بهره‌گیری از روش‌های دموکراتیک، پرهیز از برخوردهای قهری، تکیه بر ارزش‌های





انسانی و ملاک‌های عاطفی به پرورش و رشد مهارت‌ها و استعداد‌های کودکان و نوباوگان اقدام کرد (ر.ک: اسلامی، ۱۳۷۹: ص ۲۳۱-۲۷۰). درحقیقت، محیط خانواده مانند دانشگاهی است که در آن درس انسانیت و اخلاق یا عکس آن داده می‌شود و این محیط برای کودک سرنوشت‌ساز است. نقش فرهنگی، اجتماعی، عاطفی و اخلاقی خانواده در تربیت کودکان بسیار مهم است. طی سال‌های اخیر مطالعاتی درباره تربیت اخلاقی در کشور انجام شده است که از جمله آن می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

«نسبت منطق و تربیت اخلاقی کودکان با تأکید بر آرای لیپمن» (حسینی، ۱۳۹۱: ص ۳۴-۳۷)؛ «امکان تربیت اخلاقی کودکان تا هفت سال براساس آموزه‌های اسلام (آیات و روایات)» (موحدی و دیگران، ۱۳۹۷: ص ۷-۲۴)؛ «فرصت‌ها و تهدیدهای ساحت تربیت دینی و اخلاقی برنامه فلسفه برای کودکان» (کیایی و موسی‌زاده، ۱۳۹۷: ص ۹۷-۱۱۵)؛ «تربیت دینی و اخلاقی کودکان و نوجوانان» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳: ص ۲۷)؛ «بررسی انتقادی مدل تربیت اخلاقی تلفیقی مبتنی بر ایده خبرگی اخلاقی» (وجدانی، ۱۳۹۷: ص ۱۱۵-۱۴۲).

تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های یادشده در این است که پژوهش حاضر، مؤلفه‌های تربیت اخلاقی کودکان را از دیدگاه امام علی علیه السلام بررسی کرده و کوشیده راهکارهایی عملی در اختیار خانواده‌ها قرار دهد. لذا، مسئله اصلی این پژوهش، بررسی جایگاه و مؤلفه‌های تربیت اخلاقی کودک از دیدگاه امام علی علیه السلام است. برای نیل به این هدف پرسش‌های زیر بررسی می‌شوند:

۱. اخلاق، تربیت اخلاقی و ضرورت آن در کودکی، در اندیشه امام علی علیه السلام چگونه تبیین می‌شود؟
۲. مراحل رشد تربیت اخلاقی کودکان در سیره امام علی علیه السلام چگونه است؟
۳. ابعاد و مؤلفه‌های تربیت اخلاقی (اهداف، اصول و روش‌ها) از دیدگاه امام علی علیه السلام چیست؟
۴. با توجه به سیره و کلام امام علی علیه السلام چه راهکارهای عملی برای تربیت اخلاقی کودکان می‌توان ارائه داد؟



برای یافتن پاسخ هریک از این پرسش‌ها باید روشی متناسب با اقتضائات هر پرسش را به کار گرفت؛ از این رو، در این پژوهش روش‌های توصیفی و تحلیل مفهومی معرفی می‌شوند. یکی از روش‌هایی که برای پاسخگویی به چهار پرسش اول به کار گرفته شد، روش توصیفی است. تحقیق توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آن‌ها وصف شرایط یا پدیده‌های پژوهش است. اجرای روش توصیفی می‌تواند موجب شناخت بیشتر وضعیت موجود یا بهبود فرآیند تصمیم‌گیری شود. برای پاسخگویی به سؤال آخر از روش تحلیل مفهومی (مفهوم‌پردازی) بهره گرفته شد. روش تحلیل مفهومی بر فراهم آوردن تبیین صحیح و روشن از معنای مفاهیم به واسطه توضیح دقیق و ارتباط‌های آن با دیگر مفاهیم استوار است (سجادیه و دیگران، ۱۳۸۹: ص ۶۸-۹۵).

۱- اخلاق، تربیت اخلاقی و ضرورت آن در کودکی از نظر امام علی (علیه السلام)

واژه تربیت اخلاقی مرکب از دو واژه «تربیت» و «اخلاق» است. هر مکتب تربیتی از اخلاق تعریفی ارائه کرده است (میالاره، ۱۳۷۵: ص ۱۵). اخلاق در لغت به معنی «سرسخت و سنجیه» و در اصطلاح به معنی «صفات راسخ انسانی» است (Bernard, 1987: p4). بنابراین، تربیت اخلاقی را می‌توان فرایند ایجاد و پرورش فضایل اخلاقی در فراگیران و تدارک شرایطی برای بازداشتن آن‌ها از رذایل اخلاقی، در مقام نظر و عمل، دانست (سلحشوری، ۱۳۹۲: ص ۱۵-۳۲). امام علی (علیه السلام) به منزله اولین کسی که درباره مکارم اخلاق دست به نگارش زد، اخلاق را شکوفاشدن تمام ابعاد مثبت انسانی می‌داند که از حدود خوش‌رویی و نرمی در برخورد با هموعان فراتر رود و به انسان در رسیدن به هدف اعلای زندگی کمک کند. امام علی (علیه السلام) فرموده است: «اگر فرضاً امیدی به بهشت و ترسی از دوزخ نداشته باشیم، اگر فرضاً ثواب و عقابی در قیامت نباشد، باز هم لازم است از خود مکارم اخلاقی و سجایای انسانی را مطالبه کنیم؛ زیرا به کار بستن صفات پسندیده موجب رستگاری و سعادت است!»^۱

۱. لو کنا لا نرجو جنة ولا نخشى ناراً ولا ثواباً ولا عقاباً لكان ينبغى لنا ان نطالب بمكارم الاخلاق فانها مما سبيل النجاح (نوری، ۱۳۰۸ق، ج ۱: ص ۱۹۳).



از نظر امام علی علیه السلام عالی‌ترین سرمایه و افتخار، اخلاق پسندیده است و سجایای اخلاقی و صفات انسانی، رمز کاریابی و موفقیت و بهترین وسیله برای سازگاری با دیگران در اجتماع است؛ چراکه حسن خلق و رفتار پسندیده می‌تواند آدمی را در نظر مردم عزیز و محبوب نماید و موجب آسایش مادی و معنوی او شود. در نهج‌البلاغه آمده است: «عالی‌ترین مایهٔ مجد و شرف آدمی، حسن خلق است»^۱.

در تحقیقات نظری روان‌شناسی، رشد اخلاقی با فلسفهٔ اخلاق در پیوند است (Kagan & Lamb, 1987)؛ رشد اخلاقی دربرگیرندهٔ آن دسته از قوانین و مقررات اجتماعی است که تعیین می‌کند انسان‌ها در برقراری رابطه با دیگران چگونه باید رفتار کنند (Flanagan, 1991: p175). به نظر امام علیه السلام، نفس انسان راه‌های ورودی گوناگونی دارد که می‌توان گفت از این میان دو راه، اصلی است: حواس (senses) و باطن (inside) (خیال و خشم). اگر انسان از راه باطن چیزی را دریابد، اثری از آن در دل او حاصل می‌شود.^۲ امام علیه السلام این آثار را خواطر^۳ می‌نامد و خواطر را منشاء و انگیزهٔ تمام افعال انسان می‌داند. امام معتقد است هرچه دل بخواهد و اراده کند، باید ابتدا به صورت خاطر نزد فرد حاضر باشد و این خواطر، به حسب ذات، می‌خواهند به شکل حرکات بیرونی ظاهر شوند. امام علیه السلام خواطر را به دو قسم دسته‌بندی می‌کند: یکی، خواطر شر که سرانجام آن زیان است. این خواطر ناپسند را وسوسه می‌گویند؛ دیگری، خواطر خیر که سودآور است. این خواطر پسندیده را الهام می‌نامند. امام معتقد است منشاء این دو دسته خاطر متفاوت است؛ منشاء خواطر خیر، فرشته است و منشاء خواطر شر، دیو، وساوس شیطانی اعم از وسوسه‌های شیطان و نفس است. با توجه به مباحث بالا می‌توان نتیجه گرفت که امام علیه السلام برای ماهیت انسان دو خود فرض می‌کند^۴ - یکی «خود حیوانی» و دیگری «خود

۱. اکرم الحسب حسن الخلق (شریف رضی، ۱۳۷۹: ص ۱۰۹۴).

۲. العین برید القلب: چشم قاصد و پیام آور دل است (تمیمی آمدی، ۱۳۹۰: ص ۳۶۸). العین راند القلب: چشم دیده‌بان و راند قلب است. القلب مصحف البصر (همان، حکمت ۴۰۹). العین راند الفتن: چشم هوس آلود فتنه به پا می‌کند (همان، ص ۳۶۶). العیون طلائع القلوب: چشم جاسوس دل است (همان، ص ۴۰۵).

۳. للقلوب خواطر سوء و العقول تزجو عنها...: برای دل و قلب خواطر خوب و بد وجود دارد (همان، ص ۷۳۳).

۴. امام علی علیه السلام: ان الله ركب في الملائكة عقلاً بلا شهوة و ركب في البهائم شهوة بلا عقل و ركب بنی آدم کلهما فمن غلب عقله شهوته فهو خير من الملائكة و من غلب شهوته عقله فهو شر من البهائم (طبرسی، ۱۳۸۵: ج ۱: ص ۵۳۱).



ملکوتی» - و معتقد است دل، میان شیطان و فرشته در حال کشمکش است^۱ و این نشان می‌دهد که خود مدام در حال کشمکش و جدال میان «خود حیوانی» و «خود ملکوتی» است و بر حسب فطرتش صلاحیت و استعداد آن را دارد که هم آثار فرشتگان را قبول کند و هم آثار شیاطین را.^۲ در اینجا است که اهمیت اخلاق و تربیت اخلاقی معلوم می‌شود. این حالات بیانگر این است که اخلاق قابل تغییر است و بر همین اساس امام علیه السلام اخلاق را یک امکان می‌داند و می‌گوید در حیوانات اخلاق وجود ندارد، اما انسان یک موجود دو بعدی است و میان دو بعد ملکوتی و حیوانی او علاقه برقرار است. انسان از این ویژگی همچون یک وسیله و ابزار استفاده می‌کند و اینجا است که اخلاق معنا می‌یابد؛ زیرا هدف از آفرینش انسان، رسیدن به بعد ملکوتی و مشاهده حضرت حق است. بنابراین با توجه به خود ملکوتی می‌توان ضرورت اخلاق را توجیه کرد (ر.ک: سلحشوری، ۱۳۹۲: ص ۱۵-۳۲). طبق دیدگاه امام علی علیه السلام: «گرانباترین چیزی که پدران برای فرزندان‌شان به ارث می‌گذارند، ادب است» (خوانساری، ۱۳۸۴، ج ۶: ص ۳۵۳). امام علیه السلام ثمره تربیت صحیح را «پرورش فرزند صالح» و پیامد بی‌توجهی به امر خطیر تربیت را «رشد یافتن فرزند ناصالح» دانسته و برای هر یک از این دو، آثار و نتایج مثبت و منفی برشمرده است. از دیدگاه آن حضرت، فرزند صالح مایه انس و آرامش والدین است. امام، فرزند صالح را نیکوترین یادگار و بلکه برابر با همه یادگارهای باقی‌مانده از والدین معرفی می‌کند. همچنین، آن حضرت به آثار سوء و پیامدهای منفی پرورش فرزند ناصالح اشاره کرده و فرزند ناصالح را مایه نابودی شرف و بلندی مرتبه پدران و موجب بدنامی پیشینیان خود می‌خواند (مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۱۰۴: ص ۹۸). حضرت علی علیه السلام در سخنان دیگر، از فرزند ناصالح به آلوده‌کننده پیشینیان خود و فاسدکننده اولاد و بازماندگان یاد کرده، او را مایه محنت و شومی دانسته (محلاتی، ۱۳۹۳، ج ۱: ص ۹۵) و در بیانی بلیغ، فرزند ناصالح را شدیدترین مصیبت‌ها خوانده است (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۹۱: ص ۳۸۴). فرزند ناصالح نه تنها خویشتن خود را گم

۱. العقل صاحب جيش الرحمن والهوى قايد جيش الشيطان والنفس متجاذبة بينهما فايهما غلب كانت فى حيزه: عقل سردار لشکر پروردگار و هوى و هوس سرلشکر و تحریک‌کننده لشکر شیطان است و نفس میان این دو در حال کشمکش است. هر کدام از این‌ها پیروز شوند، نفس در اختیار اوست (تمیمی آمدی، ۱۳۹۰: ص ۲۰۹۲).

۲. منظور از دیو و فرشته، در اینجا، همان خود حیوانی و خود ملکوتی است.



کرده و گوهر بندگی و انسانیت را از دست داده، گاهی ممکن است پدر صالح و شایسته را هم به انسانی ناصالح مبدل کند. امام علیه السلام درباره زبیر فرمود: « زبیر همواره مردی از ما اهل بیت بود تا اینکه فرزند شوم و ناخلف او عبدالله بزرگ شد (و او را از ما جدا کرد)» (طبرسی، ۱۳۸۵: ص ۷۴).

۲- مراحل رشد تربیت اخلاقی در کودکان

امام علی علیه السلام مراحل رشد تربیت اخلاقی را به سه دوره هفت ساله تقسیم کرده است: کودک تا شش سال آزاد است و باید به او آسان گرفته شود، در هفت سال دوم تأدیب شود و در هفت سال سوم به کار گمارده شود.

دوره هفت ساله اول:

- نخستین میلی که در کودک پدید می آید، شهوت خوردن است؛ پس، در اولین قدم باید آداب خوردن را به او یاد داد. امام علیه السلام دوره اول را دوره آمادگی فرد می داند. کودک، در این دوره باید به رفتارهای نیک عادت کند.^۱ مربی باید با زشت جلوه دادن چیزهای بد در نظر کودک، هشدار دادن به او درباره همنشین بد، تشویق او برای انجام دادن کار نیک و دادن پاداشی که او را شاد کند، بعضی از رفتارهای درست را در کودک تقویت کند.

- اگر کودک مرتکب خطایی شد، یکی دو بار خطای او را نادیده بگیرید تا سخن پیش او بی ارزش نشود؛ زیرا اگر سخنی زیاد تکرار شود، کودک دلیر می شود و آن کار را آشکارا انجام می دهد. زیاده روی در سرزنش باعث شعله ور شدن لجاجت می شود.^۲ در این دوره، باید به کودک آداب اجتماعی، مانند احترام گذاشتن به بزرگسالان، مؤدب نشستن در حضور آنان، سوگند نخوردن، حفظ زبان از لعنت و فحش و... را یاد داد.

۱. نفس خود را به خوبی کردن عادت بده تا پیروز شوی، گوش خود را به شنیدن خوب عادت بده...، نفس خود را به نیت خوب عادت بده... (تمیمی آمدی، ۱۳۹۰: ص ۶۲۲۵-۶۲۳۰)، کفی بفعل الخیر حسن عادة: برای کار خیر عادت کردن کافی است (همان، ص ۷۰۳۶).

۲. ایاک ان تکرر العتب، فان ذالک یغری بالذنب و یهون العتب: از سرزنش پی در پی بپرهیز؛ زیرا این کار فرد را بر گناه گستاخ و سرزنش را بی اثر می کند (همان، ص ۳۷۴۸). الافراط فی الملامة یشب نیران اللجاج: زیاده روی در سرزنش آتش لجاجت را شعله ور می کند (همان، ص ۱۷۶۸).



- نکته مهمی که امام علیه السلام به آن اشاره می‌کند این است که کودک را به چیز خاصی عادت ندهید، زیرا خوی گرفتن به کارها، مخصوصاً کارهای ناپسند، کودک را کوردل بار می‌آورد.^۱ همچنین، حضرت تأکید می‌کند که در این دوره، کودکان را از بازی بازندارید؛ زیرا این امر موجب می‌شود آن‌ها بدخو شوند و این به کوردلی آنان منجر می‌شود.^۲ امام علی علیه السلام عادت را در تربیت اخلاقی روا نمی‌داند؛ زیرا عادت کردن به یک کار اثر آن کار را از بین می‌برد.

دوره هفت‌ساله دوم:

- احساس احترام و شرم در کودکان: امام علیه السلام معتقد است نماز خواندن را باید در نظر کودکان بزرگ جلوه داد و دروغ و حرام و دزدی... را در نظر آنان زشت گرداند. احساس شرم در کودکان یک عامل بسیار قوی است؛ زیرا اگر کودک به چیزهای پلید گرایش یافت، اما احساس شرم کرد، آن را رها می‌کند.^۳

- آموختن شعرهای نیکو و جلوگیری از گرایش به شعرها و موسیقی‌های ناپسند، نکته دیگری است که امام علیه السلام بر آن تأکید دارد. همچنین، امام علیه السلام معتقد است که باید کودک را به بازی‌های نیکو و خوب سوق داد؛ زیرا منع از بازی، کودک را مضطرب می‌کند، او را از تعلیم گریزان می‌کند، زندگی را بر او سخت می‌کند و او را به حيله و دروغ‌وami دارد تا از آن کار نجات یابد، اما از طریق بازی نیکو، کودک نشاط لازم را برای تعلیم به دست می‌آورد و با انگیزه بیشتری به تعلیم می‌پردازد. این نکته بسیار مهم است؛ زیرا اگر نادیده گرفته شود، کودک به سوی بدی و خود حیوانی گرایش پیدا می‌کند.^۴

۱. للعاده علی کل انسان سلطان: هر که به چیزی عادت کند، آن عادت بر او مسلط می‌شود و ترک آن دشوار است (همان، ص ۷۳۲۰)؛ ذلوا انفسکم بترک العادات... نفس‌هایتان را با ترک عادت رام کنید (همان، ص ۵۱۹۲).

۲. رسول خدا: عَرَاةُ الصَّبِيِّ فِي صِغَرِهِ زِيَادَةٌ فِي عَقْلِهِ فِي كِبَرِهِ: بازی‌گوشی بچه در کودکی مایه فزونی عقل و خرد او در بزرگسالی است. العَرام: الشَّدَّةُ وَالْقُوَّةُ وَالشَّرَاسَةُ (کنز العمال فی سنن الاعمال و الافعال، ج ۱۱، ص ۴۲، حدیث ۳۰۷۴۷).

۳. الحياء تمام الكرم و احسن الشيم: شرم و حیا کرامت کامل و بهترین فضائل است (تمیمی آمدی، ۱۳۹۲: ص ۱۳۳۳). الايمان و الحياء مقرونان فی قرن و لا یفترقان: ایمان و شرم همراه هم هستند و از یکدیگر جدا نمی‌شوند (همان، ۱۷۷۷).

۴. السرور یسط النفس و یثیر النشاط: شادی نفس را باز می‌کند و نشاط می‌دهد (همان، ۲۰۱۶).

دوره هفت‌ساله سوم:

- بیان دلایل و فلسفه کارها: هنگامی که فرزند به سن بلوغ رسید، باید اسرار آداب و رفتارهایی را که در دوره قبل بر آن‌ها تأکید می‌شد، بداند.^۱ البته امام علیه السلام تربیت اخلاقی در این دوره را منوط به دوره‌های قبل می‌داند و می‌فرماید: اگر کودک به صفات نیکو عادت کرده باشد و این صفات در او خوب ریشه دوانده باشد، هنگام بلوغ این سخنان در دل او مؤثر واقع می‌شود،^۲ ولی اگر قضیه برعکس شود؛ یعنی کودک با بازی‌های ناپسند و فحش و شهوت خو بگیرد، طعام و لباس خود را بیاریند و به همدیگر فخرفروشی کنند، خود ملکوتی آن‌ها حق را نخواهد پذیرفت. اگر تربیت اخلاقی کودک از همان ابتدا (قبل از تولد) شروع شود، این آموزش‌ها همانند نقشی که بر سنگ حک می‌شود، پابرجا می‌ماند،^۳ اما اگر سنین کودکی (دو دوره قبل) نادیده گرفته شود، تأثیر آموزش‌های اخلاقی در سن بلوغ، همانند نوشتن بر آب، هیچ تأثیری ندارند. به اعتقاد امام، بذر هر کار عظیمی در دوره کودکی افکنده شده است.^۴ بنابراین مهم‌ترین کار این است که از همان آغاز تولد (و حتی قبل از تولد) تربیت اخلاقی کودک شروع شود؛ زیرا کودک به‌طور فطری قابلیت خیر و شر را دارد و قلب او مانند زمین خالی است و تربیت است که وی را به یکی از دو سویه خیر و شر می‌کشاند.^۵

۱. وان ابتدئک بتعلیم کتاب الله عزوجل و تأویله و شرائع الاسلام و احکامه و حلاله و حرامه لاجاوز ذلک بک الا غیره: پس در آغاز تربیت تصمیم گرفتم تا کتاب خدای بزرگ را همراه تفسیر آیات به تو بیاموزم و دین اسلام و احکام آن را از حلال و حرام به تو تعلیم دهم و به چیز دیگری نپردازم، اما از آن ترسیدم که مبدا هوایی که مردم را دچار اختلاف کرده... به تو هجوم آورد... پس تلاش کن که درخواست‌های تو از روی آگاهی و درک باشد (نامه ۳۱). فرض الله الایمان تطهیرا من الشرك و الصلاة تنزیها عن الکبر و... (حکمت ۲۵۲).

۲. فبادرتک بالادب قبل ان یفسو قلبک و یشتغل لبک: پس در تربیت تو شتاب کردم پیش از آنکه دل تو سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول شود (نامه ۳۱).

۳. مثل الذی یتعلم فی صغره کالتفش فی الحجر و مثل الذی یتعلم فی کبره کالذی یتکب علی الماء: مثل کسی که در کودکی می‌آموزد همانند نقش‌کندن بر سنگ است و مثل کسی که در بزرگسالی می‌آموزد همانند کسی است که بر آب می‌نویسد (به نقل از محمدی ری شهری، ۱۳۹۳: ص ۱۸۵).

۴. امام علی علیه السلام: من لم یتعلم فی الصغر لم یقدم فی الکبر: کسی که در کودکی نیاموزد در بزرگسالی پیش نمی‌افتد (تمیمی آمدی، ۱۳۹۲: ۸۹۳۷).

۵. امام به فرزندش حسن علیه السلام فرمود: «و انما قلب الحدیث کالارض الخالیة ما القی من شی قبله فبادرتک بالادب قبل ان یفسو قلبک و یشتغل لبک: قلب کودک مانند زمین خالی از بذر و گیاه است؛ هر تخمی که در آن افشاندن شود، به‌خوبی رشد می‌کند...» (شریف رضی، ۱۳۷۹: نامه ۳۱).



۳- هدف غایی تربیت اخلاقی کودکان در سیره امام علی علیه السلام

در نظام تربیتی اسلام مبحث اهداف از اصلی‌ترین مباحث است و جایگاه مهمی دارد؛ چراکه بدون تعیین هدف، برنامه‌ریزی و ارزیابی فعالیت‌های تربیتی به آسانی ممکن نیست. در تربیت فرزندان، آن هم در جامعه اسلامی، داشتن اهداف الهی بسی مهم و تعیین‌کننده است.

با نگاهی به دیدگاه و سیره تربیتی امام علی علیه السلام آشکار می‌شود که هدف غایی در نظام تربیت اخلاقی این است که فرزند به مقام اطاعت و عبودیت الهی برسد؛ هدف نهایی، تربیت انسانی است که مطیع پروردگار و تسلیم آستان او باشد. با توجه به حقیقت وجودی انسان و کمال‌جویی او، باید این امکان را برای کودکان فراهم آوریم تا در مسیر تربیت حقیقی گام بردارند و استعدادهای خود را شکوفا سازند. با این وصف، اهداف واسطه‌ای تربیت اخلاقی در نگاه امام علی علیه السلام عبارتند از:

الف) پرورش ابعاد وجودی و شخصیتی انسان:

هدف از تربیت اسلامی، انسان‌سازی است. انسان می‌تواند با تربیت، نقاط ضعف خود را به نقاط قوت تبدیل کند. پرورش ابعاد معنوی و اخلاقی شخصیت انسانی، یک هدف مهم تربیتی در نظام اخلاقی امام علی علیه السلام است؛ زیرا هرکسی می‌تواند در مسیر تعالی یا سقوط گام بردارد. اگر پرورش، فقط تأمین نیازهای جسمانی باشد، انسان از پرورش صفات عالی اخلاقی و معنوی باز می‌ماند. امام علی علیه السلام به تربیت بعد اخلاقی و معنوی اهمیت ویژه دارد.

ب) آگاه کردن انسان از پایگاه خویش در جهان و شکوفا کردن لطافت وجودی او:

کار اصلی تربیت اخلاق اسلامی، آشنا کردن انسان با ماهیت وجودی او و حرکت دادن وی بر مقتضای فطرت و سرشت او است. شناخت انسان از خود، مقدمه‌ای برای شناخت خداوند می‌شود. آن‌گاه زندگی او معنی می‌یابد و به سوی کمال خویش گام برمی‌دارد. حضرت علی علیه السلام فرمود: «برترین معرفت، شناخت آدمی از خویشتن است»^۱ و «هر که خود را بشناسد، پروردگار خود را شناخته است»^۲. بنابراین، در تربیت، شناخت انسان جایگاهی بس ارزشمند دارد و چنانچه انسان به این مهم مبادرت نورزد، از فهم مسائل دیگر نیز در می‌ماند.

۱. أفضل المعرفة معرفة الانسان نفسه (خوانساری، ۱۳۸۴، ج ۶: ص ۱۷۲).

۲. من عرف نفسه فقد عرف ربه (تمیمی آمدی، ۱۳۹۰، ج ۲: ص ۱۶۴).





ج) آخرت‌گرایی و پروا‌پیشگی:

طبق اصول تربیت، انسان باید قوس صعودی را در جهت حقیقت ملکوتی خود بپیماید. امام علیه السلام در نامه تربیتی خود به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام می‌نویسد: «بدان که تو برای آن جهان آفریده شده‌ای نه برای این جهان^۱». این جهان مدرسه تربیت انسان است و باید به سوی آخرت گام بردارد. امام علیه السلام همگان را بدین مقصد فراخوانده و فرموده است: «از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا مباشید که روز رستاخیز هر فرزند به مادر خود می‌پیوندد^۲».

انسان، تنها برای امور مادی کوشش نمی‌کند و یگانه محرک او حوایج مادی زندگی نیست، بلکه برای اهداف و آرمان‌های بسیار عالی می‌کوشد. انسان، دارای روح قدسی است که میل به تعالی، صعود و پرواز دارد و بالارفتن او تا ملکوت قابل تصور است. آنچه انسان‌ها را به کمال مطلوبشان می‌رساند در سایه پرهیزگاری محقق می‌شود. پیشوای پرهیزگاران در ضمن خطبه‌ای فرمود: «خداوند به پرهیزگاری سفارستان کرده و آن را نهایت خشنودی و خواست خود از بندگان قرار داده است^۳» «بندگان خدا، شما را به تقوای الهی و فرمان‌برداری او سفارش می‌کنم که نجات فردا در آن است و مایه رهایی جاودان است^۴».

آنان که به این توشه تربیتی دست یابند، درهای وصول به مقاصد تربیت حقیقی به رویشان گشوده می‌شود. امام علی علیه السلام در وصفشان می‌فرماید: «پرهیزگاران در این جهان اهل فضیلتند، گفتارشان صواب است و میانه‌روی شعارشان. در رفتار و گفتار فروتنند، دیده‌هایشان را از آنچه خدا بر آنان حرام کرده، پوشیده و گوش‌هایشان را به دانشی که آنان را سودمند است به کار گرفته‌اند. در سختی چنان به‌سر می‌برند که گویی به آسایش قرار دارند و اگر نه این است که مدت زندگی‌شان را باید بگذرانند، جان‌هایشان یک چشم

۱. و اعلم أنك انما خلقت للاخرة لا للدنيا (شریف رضی، ۱۳۷۹: نامه ۳۱).

۲. فكونوا من أبناء الاخرة ولا تكونوا من أبناء الدنيا فان كل ولد سيلحق بأمة يوم القيامة (همان، کلام ۴۲).

۳. و أوصاكم بالتقوى و جعلها منتهی رضاه و حاجته من خلقه (همان، خطبه ۱۸۳).

۴. أوصیکم عباد الله بتقوى الله و طاعته؛ فانها النجاة غداً و المنجاة أبداً (همان خطبه ۱۶۱).



به هم زدن در کالبد نمی‌ماند. از شوق رسیدن به پاداش - آن جهان - یا از بیم ماندن و گناه کردن - در این جهان - خداوند در اندیشه آنان بزرگ است. پس هر چه جز او است، در دیده‌هایشان خرد نمود. بهشت برای آنان چنان است که گویی آن را دیده‌اند و در آسایش آن به سر می‌برند و دوزخ چنان که آن را دیده‌اند و در عذابش قرار دارند. دل‌هایشان اندوهگین است و مردم از گزندشان ایمن. تن‌هایشان نزار است و نیازهایشان اندک و به جان و تن پارسایند» (شریف رضی، ۱۳۷۹: خطبه ۱۹۳).

بنابراین، پروا پیشگی، کلید همه نیکبختی‌ها است؛ انسان را وامی‌دارد تا در همه امور به عدالت رفتار کند، زمینه کمالات انسان را فراهم می‌آورد و موجب نجات او می‌شود. از این رو، تقوا بهترین ذخیره رستخیز است.

۴- اصول تربیت اخلاقی کودکان

بر اساس سخنان حضرت علی (علیه السلام)، موارد زیر اصول اخلاقی امام‌المؤمنین را در تربیت اخلاقی کودکان تشکیل می‌دهد:

- اصل اعتدال:

رفتارها و عملکردهای تربیتی، در صورتی به ما کمک می‌رساند که تابع اعتدال باشد. تربیت خردمندانه، تربیتی است که مبتنی بر حفظ اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط در همه امور باشد (همان، حکمت ۷۰).

- اصل تدرج و تمکن:

پرورش اخلاقی باید بر اساس برنامه‌ریزی زمان‌بندی شده همراه با تربیت بدن، به پیروی از عقلو مبتنی بر شناخت نیازها، علایق و قابلیت‌ها انجام شود. رشد باید مرحله‌به‌مرحله صورت پذیرد و حرکت جهشی و تغییر ناگهانی، درست نیست. در گذر از هر مرحله به مرحله بعد، باید متناسب با تغییرات و وضعیت جدید سازمان ذهنی عمل کرد (اسلامی، ۱۳۷۹: ص ۸۹). از این رو، در آموزه‌های دینی به رعایت ظرفیت‌ها و توانایی‌های ذهنی و

عقلی و روحی در پرورش و رشد اخلاقی تأکید شده است. امام علی علیه السلام درباره تدریجی بودن رشد و تربیت می فرماید:

«یربّی الصبی سبعا و یؤدب سبعا و یتخدم سبعا و منتهی طوله فی ثلاث و عشرين...».

اختلاف استعدادها، ظرفیت‌ها، روحیه‌ها، خواست‌ها و سلیقه‌ها، معلول اختلاف طبایع و تأثیرات گوناگون محیطی، جغرافیایی، فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی و اجتماعی است؛ بنابراین، هر عمل تربیتی باید با توجه به این اختلاف استعدادها و نیازها، به‌طور تدریجی و مرحله‌به‌مرحله، براساس توانایی‌های کودکان انجام شود. اگر در امر تربیت، نیازها، خواست‌ها، ظرفیت‌ها و زمان مناسب را در نظر نگیریم، بی‌گمان برنامه‌ها و اقدامات تربیتی نتیجه‌ای جز تباهی در پی نخواهند داشت.

- اصل تسهیل:

اگر تربیت اخلاقی کودکان مبتنی بر زور و اجبار باشد، نتیجه مطلوبی نخواهد داشت. والدین باید با رعایت آزادی فردی کودکان به تربیت آن‌ها مبادرت ورزند. حضرت علی علیه السلام درباره زور و اجبار می فرماید: «ستمگری و چیرگی بر افراد، آوارگی را برای آن‌ها به همراه خواهد داشت»^۱ (همان، حکمت ۴۷۶). درحقیقت، آنچه در حوزه تربیت اخلاقی مؤثر است، اصل رفتار آزادمنشانه است؛ چنان‌که حضرت علی علیه السلام می فرماید: «سودمندترین شما باسماحت‌ترین شما است»^۲ (خوانساری، ۱۳۸۴، ج ۲: ص ۳۷۰).

- اصل تربیت عقلانی:

رسالت پیام‌آوران الهی در جهت شکوفایی استعدادها و تربیت عقلانی بوده است. آن‌ها سعی داشتند عقل‌ها را بالنده و انسان‌ها را به حکمت آراسته سازند. در این تربیت، قوای آدمی تسلیم خرد می‌شود عقل، محور امور قرار می‌گیرد و هوا و هوس از وجود انسان رخت برمی‌بندد. حضرت علی در ستایش این شیوه فرمود: «با عقل، هوا را مخالفت کنید»^۳ (شریف رضی، ۱۳۷۹: حکمت ۴۷۶).

۱. العصف یعود بالجلء و الحیف یدعوا الی السیف (شریف رضی، ۱۳۷۹: حکمت ۴۷۶).

۲. أسمحکم أربحکم (خوانساری، ۱۳۸۴، ج ۲: ص ۳۷۰).

۳. ضادو الهوی بالعقل (خوانساری، ۱۳۸۴، ج ۶: ص ۳۷۰).



- اصل تفکر:

انسان موجودی متفکر است و با به کار گرفتن اندیشه، از سود و زیان کارها آگاه می‌شود و در راه سعادت سیر می‌کند. بنابراین، در سیره امام علی علیه السلام، اصل تفکر به منزله یکی از اصول تربیت اخلاقی مطرح شده است.

۵- روش‌های کاربردی تربیت اخلاقی فرزندان در سیره و کلام امام علی علیه السلام

روش‌شناسی و بررسی شیوه‌های تربیتی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است. در واقع، درخت تربیت آن‌گاه به بار می‌نشیند که نکات تربیتی در قالب شیوه‌های درست و مناسب به اجرا درآید. امام علی علیه السلام در سیره تربیتی خویش شیوه‌هایی را به کار گرفت که کشف و بررسی آن‌ها ره‌توشه بزرگی برای رهروان راستین آن حضرت به‌شمار می‌آید. شماری از این شیوه‌ها عبارتند از:

- شیوه محبت

استفاده از محبت، یکی از مؤثرترین و کارآمدترین شیوه‌های تربیتی است. محبت جاذبه و انگیزه می‌آفریند، به انسان‌های پرتلاطم و مضطرب آرامش می‌بخشد و فرزندان نابهنجار و ناسازگار را رام می‌کند. محبت شیوه‌ای است که به مرحله خاصی از تربیت اختصاص ندارد، اما کودکان و نونهالان بیشتر به آن نیازمندند. حبس کردن محبت در دل و پرهیز از اظهار آن، کارساز نیست و در فرزند انگیزه و جاذبه پدید نمی‌آورد؛ از این رو، محبت باید به روش‌های مناسب ابراز شود. برای کودکان در آغوش گرفتن و بوسیدن و برای بزرگ‌ترها دادن هدیه و اظهار محبت زبانی از مناسب‌ترین شیوه‌هاست. امام علی علیه السلام فرمود: «هر که فرزند خود را ببوسد، برای او پاداش و حسنه خواهد بود و هر که فرزند خود را شاد کند، خداوند در روز قیامت او را شاد خواهد کرد». آن حضرت هنگام موعظه فرزندان، با جملاتی محبت‌آمیز و پرجاذبه آن‌ها را آماده شنیدن می‌کرد؛ برای نمونه، در نامه‌ای به امام حسن علیه السلام چنین فرمود: «فرزندم، تو جزیی از وجود و بلکه تمام وجود منی؛ به طوری که اگر به تو بلایی برسد، به من رسیده است و اگر مرگ تو را در کام گیرد، مرا در کام گرفته



است. آنچه از وضع و حال تو برای من مهم است، همان وضع و حال خود من است که برایم اهمیت بسیار دارد»^۱.

– شیوه احترام به شخصیت فرزند

از دیگر شیوه‌های مهم تربیتی در سیره و کلام امام علی علیه السلام، شیوه احترام به شخصیت فرزند و واگذار کردن مسئولیت به اوست. احترام به فرزند و تکریم شخصیت او، اعتماد به نفس را در وی تقویت می‌کند و او را برای انجام مسئولیت‌های مهم فردی و اجتماعی آماده می‌سازد. درمقابل، تحقیر و سرزنش زیاد، آتش لجاجت و دشمنی را در فرزند شعله‌ور می‌کند. امام علیه السلام در این باره می‌فرماید: «زیاده‌روی در سرزنش، آتش لجاجت را در فرد روشن می‌کند»^۲. امام در حدیثی دیگر می‌فرماید: «عقاب و تندی زیاد نداشته باشید؛ زیرا این امر کینه را در پی دارد و فرد را به سوی دشمنی فرامی‌خواند».

حضرت علی علیه السلام در سیره تربیتی خود به شیوه احترام به شخصیت فرزندان توجه ویژه داشت و با واگذار کردن مسئولیت مناسب به آنان، حس اعتماد به نفس را در آنان تقویت می‌فرمود.

– شیوه تشویق و تنبیه

یکی از شیوه‌های تربیت اخلاقی، تشویق و تنبیه است. تشویق، عامل برانگیزاننده و تنبیه، عامل بازدارنده است. شیوه تشویق، در فرزند انگیزه و رغبت پدید می‌آورد و شوق رفتار مطلوب را در او مضاعف می‌کند. البته درباره این شیوه مباحث بسیاری مطرح شده است؛ مانند اینکه تشویق مقدم است یا تنبیه؟ درحقیقت، تشویق حتی الامکان بر تنبیه مقدم است و فقط وقتی تشویق کارساز نباشد، از تنبیه بهره می‌بریم.

۱. وجدتك بعضی بل وجدتك کلی حتی كان لواصلابك اصابنی...

۲. الافراط فی الملامة یثب نار اللجاجة.



- شیوه الگویی:

شیوه الگویی نیز از شیوه‌های مهم تربیت اخلاقی است؛ زیرا فرزندان با سرمشق گرفتن از رفتار و کردار الگوها، فضایل آن‌ها را در خود ایجاد و به تدریج درونی می‌کنند. در میان روش‌های تربیتی، این روش به دلیل کاربردی بودن از نفوذ و تأثیرگذاری زیادی برخوردار است؛ بنابراین، بهتر است والدین به جای آنکه آموزه‌های دینی و تربیتی را دستوری بیان کنند، آن‌ها را با اعمال و رفتار خود به کودکان آموزش دهند. چشمان کودکان از تمام حرکات و سکناات والدین و خانواده فیلم‌برداری می‌کند؛ از این رو، تربیت فرزند بیش از آنکه با آموزه‌های کلامی و ارتباط زبانی صورت گیرد، بر رفتار عملی استوار است. کودک به طور معمول سخن گفتن، آداب معاشرت و آداب و سنن دینی را در محیط خانه فرامی‌گیرد و اگر والدین به دستورهای دینی اهمیت دهند و موازین اخلاقی را رعایت کنند، بی‌شک این گونه عمل بر روح و روان کودک تأثیر می‌گذارد (یوسفیان، ۱۳۸۹: ص ۱۰۸). این شیوه تربیتی در سیره امام علی علیه السلام اهمیت زیادی دارد. آن حضرت به دو طریق از این شیوه در تربیت فرزندان خود بهره می‌جستند: یکی، از طریق معرفی الگوهای مطمئن و دیگری، الگو بودن خودشان برای فرزندان. امام علیه السلام در نامه تربیتی خود به امام حسن علیه السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را الگوی مطمئن معرفی می‌کند: «فرزندم، بدان که کسی همانند رسول الله صلی الله علیه و آله درباره خداوند سخن نگفت. پس به رهبری او راضی شو و در طریق نجات خویش او را پیشوا و الگوی خود قرار بده». اما مهم‌تر از معرفی و ارائه الگو، حضرت علی علیه السلام خود الگوی کاملی برای فرزندان بود و سیره عملی و رفتارهای درست او بهترین سرمشق برای آنان بود؛ به گونه‌ای که در موارد متعدد حضرت به فرزندان خود درس عملی داده و رفتارها و آداب اخلاقی را غیرمستقیم به آنان القا کرده است.

- شیوه همراه کردن امور اخلاقی با خاطرات خوشایند:

یکی از شیوه‌های درخور توجه در تربیت اخلاقی فرزندان، همراه کردن امور اخلاقی و معنوی با خاطرات خوشایند آنان است. بدین گونه که باید رفتارهای اخلاقی و مذهبی را در یک فضای مطبوع و همراه با ایجاد خاطرات خوشایند و مطلوب به فرزندان آموخت.



- شیوه دوست‌یابی:

همچنان که بزرگسالان به دوست و رفیق نیاز دارند، کودکان نیز به داشتن دوست نیازمند هستند و والدین نمی‌توانند آنان را از این خواسته طبیعی محروم کنند. همچنین، پدر و مادر نمی‌توانند مستقیماً به فرزندان بگویند با چه کسانی رفیق شوند و از چه کسانی دوری گزینند، بلکه باید آن‌ها را در انتخاب دوست آزاد بگذارند. اما بدان دلیل که اخلاق و رفتار رفقا در یکدیگر تأثیر می‌گذارد و دوستان در بسیاری از اخلاق و رفتارها از یکدیگر پیروی می‌کنند، در اسلام دستور داده شده که از رفیق بد اجتناب کنیم (امینی، ۱۳۷۸: ص ۲۴). بر این اساس، پدر و مادر نباید درباره دوستان فرزند خود بی‌اعتنا باشند، بلکه اگر بتوانند برای فرزندشان دوستان خوبی انتخاب کنند، صلاح و سعادت او را تأمین کرده‌اند. بهترین روش آن است که وقتی کودک به حد رشد و تمییز رسید، با نرمی و ملاحظت صفات یک دوست خوب و صفات یک دوست بد را برایش شرح دهند و نتایج دوستی با چنین افرادی را برایش بازگو کنند و آن‌گاه از دور بر رفتار فرزند و دوستان او نظارت داشته باشند (همان، ص ۳۱۲-۳۱۳).



ابعاد تربیت اخلاقی کودکان از دیدگاه امام علی علیه السلام

* رسیدن به مقام اطاعت و عبودیت الهی	هدف غایی تربیت اخلاقی	اهداف
* پرورش ابعاد وجودی و شخصیتی کودک * آگاه کردن کودک از پایگاه وجودی خویش در جهان و شکوفا کردن لطایف وجودی او * آخرت گرایی و پروا پیشگی	اهداف واسطه‌ای تربیت اخلاقی	
* اعتدال * تدرج و تمکن * تسهیل * تربیت عقلانی * تفکر	اصول تربیت اخلاقی کودکان	
* شیوه محبت * شیوه احترام به شخصیت فرزند * شیوه تشویق و تنبیه * شیوه الگویی * شیوه همراه کردن امور اخلاقی با خاطرات خوشایند * شیوه دوست یابی	شیوه‌های تربیت اخلاقی کودکان	





۶- توصیه‌های کاربردی تربیت اخلاقی کودکان؛ برگرفته از سخنان ناب امام علی علیه السلام
 امام علی علیه السلام برای بهبود تربیت اخلاقی کودکان، توصیه‌هایی کاربردی برای والدین ارائه داده‌اند که به اختصار بیان می‌شود:

۱. تربیت اخلاقی کودکان باید متناسب با سن و عوامل رشدی و محیطی آن‌ها صورت گیرد و بی‌توجهی به این نکات می‌تواند مانعی در تربیت اخلاقی درست کودک باشد.
۲. والدین باید نوجوانان و جوانان را از محبت سیراب کنند تا آنان به هر آشنا و بیگانه‌ای روی نیاورند و به‌سوی افراد فاسد و اماکن فساد کشیده نشوند؛ چراکه دلیل بسیاری از انحرافات، کمبود محبت است.
۳. والدین به فرزندان خود احترام بگذارند و به آنان کمک کنند تا نواقص خود را رفع کنند. نصایح و تذکرات خود را با استدلال و منطق و در خلوت با آنان در میان نهند. هرگز در حضور دیگران، مخصوصاً همسالان، به فرزندان خود پند و اندرز ندهند و سخنی نگویند که خود بدان عمل نمی‌کنند.
۴. والدین بیش از حد توان و ظرفیت از فرزندانشان توقع نداشته باشند و با درک دنیای فرزندان، به هر اندازه که کوشش می‌کنند، از آنان قدردانی کنند.
۵. به نوجوانان و جوانان پیاموزند که نباید از مشکلات گریخت، بلکه راه‌های مبارزه با مشکلات و راه حل آن‌ها را به فرزندان خود آموزش بدهند.
۶. روح مذهب و معنویت را در فرزندان تقویت کنند و ارزش‌های انسانی، مذهبی و اخلاقی را با ایمان و اعتقاد به مبانی الهی به‌درستی در آنان ایجاد کنند.
۷. به فرزندان خود مسئولیت‌های مختلف زندگی را واگذار کنند تا اهل تفکر و کار و سازندگی شوند.
۸. به فرزندان خود کمک کنند تا دربارهٔ دوست، درست بیندیشند و باادب و نزاکت، حالات عصبی و طغیان احساسات آن‌ها را فرو نشانند. اشتباهات، بی‌اعتنایی و سنگدلی آنان را دربارهٔ دوستانشان گوشزد کنند و شوق بهتر شدن، لایق‌بودن و پاکی و عفت در دوستی را در آن‌ها به‌وجود آورند (اسحاقی، ۱۳۸۷: ص ۱۲۵).

نتیجه‌گیری

با توجه به مفهوم تربیت اخلاقی از دیدگاه امام علی علیه السلام، چنین برداشت می‌شود که تربیت اخلاقی به منزله یکی از اجزای تربیت دینی، از همان ابتدای کودکی اهمیت دارد؛ زیرا براساس مستندات ارائه شده، در انسان از همان آغازین لحظه‌های تولد، مراتبی از عمل اخلاقی مطرح است. این اعمال ممکن است در قالب آداب بیان شده باشد، اما بدان دلیل که ادب برخاسته از اخلاق است، تادیب نه تنها به دوران اولیه زندگی اختصاص ندارد، در همه مراحل زندگی انسان وجود دارد و خود جزیی از تربیت اخلاقی است. اینکه تادیب، بیشتر برای دوران اولیه کودکی مطرح می‌شود، شاید به این دلیل است که در بعضی از مقاطع زندگی مثل دوران کودکی مراتب اعمال اخلاقی بر اثر پایین بودن مراتب مبنای عمل اخلاقی (معرفت، میل، اراده) پایین است و بر این اساس این جنبه دگرسازی تربیت اخلاقی نقش بیشتری ایفا می‌کند و با گسترش مراتب عمل اخلاقی، نقش تادیب کمتر می‌شود. در نتیجه، تربیت اخلاقی برای کودکان نه تنها منتفی نیست، بلکه غفلت از آن، تربیت اخلاقی کودکان را در مراحل بعدی دشوار می‌کند. بنابراین، امام علی علیه السلام ضمن تأکید بر تسریع تربیت اخلاقی کودکان، هدف غایی تربیت اخلاقی کودکان را رسیدن به مقام عبودیت الهی می‌داند و به موازات هدف غایی، اهدافی مانند پرورش ابعاد وجودی و شخصیتی کودک، آگاه کردن کودک از پایگاه وجودی خویش در جهان و شکوفا کردن لطایف وجودی او، آخرت‌گرایی و پرواپیشگی را به عنوان اهداف واسطه‌ای برای دستیابی به هدف غایی یاد کرده است. در سیره امام علی علیه السلام با به کارگیری اصولی مانند اعتدال، تدرج و تمکن، تسهیل، تربیت عقلانی و تفکر، راه دستیابی به اهداف میسر می‌شود. روش‌های پیشنهادی امام علی برای تربیت اخلاقی کودکان عبارت است از: شیوه محبت، شیوه الگویی، شیوه احترام به شخصیت فرزند، شیوه دوستیابی و شیوه همراه کردن امور اخلاقی با خاطرات خوشایند. درحقیقت، امام علیه السلام با بیان اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی زمینه را برای تربیت کودکان در محیط خانواده هموار کرده است؛ چراکه از نظر ایشان، خانواده در تربیت نقش اساسی دارد و این بدان دلیل است که اولاً، در تأثیر عامل وراثتی و دیگر عوامل محیطی نقش اساسی دارد؛ ثانیاً، تا پیش از بلوغ بیشتر عمر



فرزندان در کانون خانواده و با نظارت آنان سپری می‌شود؛ ثالثاً، نقش الگویی والدین، به‌ویژه در تربیت اخلاقی، بسیار چشمگیر است. نکتهٔ آخر این است که خانواده خود از عوامل تأثیرگذار محیطی در تربیت فرزندان است که می‌تواند از راه ارتباطات اجتماعی، زمینهٔ دوست‌یابی شایسته را برای فرزندان فراهم آورد. در این میان سخنان گهربار امام علی علیه السلام دربارهٔ تربیت فرزند ره‌توشه‌ای عظیم در راه دستیابی به این امر خطیر است. انسان با الگوبرداری از سیرهٔ ایشان و به‌کاربردن روش‌های اسلامی و تربیت نسل صالح می‌تواند به سعادت دنیوی و اخروی دست یابد.



کتابنامه

• قرآن کریم.

۱. آذربایجانی، مسعود و محمدصادق شجاعی (۱۳۹۳)، روان‌شناسی در نهج البلاغه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲. آرمند، محمد و محمود مهرمحمدی (۱۳۸۸)، «نقد و بررسی الگوی تربیت منش لیکونا براساس آرای علامه طباطبایی»، *مطالعات برنامه درسی*، ش ۱۳ و ۱۴، صص ۲۵-۶۲.
۳. اسلامی، احمد (۱۳۷۹)، «اصول اساسی در پرورش اخلاقی با تأکید بر دیدگاه امام علی (علیه السلام)»، مجموعه مقالات همایش تربیت در سیره و کلام امام علی (علیه السلام)، مرکز مطالعات تربیت اسلامی، کتاب چهاردهم، صص ۲۳۱-۲۷۰.
۴. اسمتانا، جودت جی (۱۹۹۹م)، «تأثیر والدین بر رشد اخلاقی کودکان؛ تحلیلی مربوط به حیطه اجتماعی»، ترجمه غلامرضا متقی فر، معرفت، ش ۵۷، صص ۸۵-۹۲.
۵. اسحاقی، سیدحسین (۱۳۸۷)، *سلوک علوی (راهبردهای امام علی (علیه السلام) در تربیت فرزندان)*، چ سوم، قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۶. سجادیه، نرگس و دیگران (۱۳۸۹)، «پژوهش تبارشناختی و الهام‌بخشی آن برای قلمروهای پژوهشی در مطالعات برنامه درسی»، *مطالعات برنامه درسی*، سال ۴، ش ۱۶، صص ۶۸-۹۵.
۷. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۳)، *تربیت فرزند با رویکرد فقهی*، قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
۸. امینی، ابراهیم (۱۳۷۸)، *آئین همسرمداری یا اخلاق خانواده*، چ چهارم، قم: اسلامی.
۹. باقری، خسرو (۱۳۸۷)، *نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران: مدرسه.
۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۹۰)، *غررالحکم و دررالکلم*، ترجمه لطیف راشدی و سعید راشدی، چ سوم، قم: پیام علمدار.
۱۱. حسنی، محمد و دیگران (۱۳۹۱)، *مدرسه و تربیت اخلاقی*، تهران: مدرسه.
۱۲. خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۳۸۴)، *شرح غررالحکم و دررالکلم*، ج ۲ و ۶، تهران: دانشگاه تهران.



۱۳. رهنما، اکبر (۱۳۷۸)، بررسی، تجزیه و تحلیل خواستگاه‌ها، غایات و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه کانت و خواجه نصیرالدین طوسی، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۴. _____ (۱۳۸۵)، «مقایسه دیدگاه کانت و خواجه نصیرالدین طوسی در زمینه تربیت اخلاقی»، فصلنامه تربیت اسلامی، ش ۲، صص ۲۱-۳۴.
۱۵. سلحشوری، احمد (۱۳۹۲)، «مراحل رشد تربیت اخلاقی از دیدگاه امام علی (ع)»، پژوهشنامه نهج البلاغه، سال اول، ش سوم؛ صص ۱۵-۳۲.
۱۶. شریف رضی (۱۳۷۹)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: روح.
۱۷. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۸۵)، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میرباقری، تهران: فراهانی.
۱۸. طبرسی، علی بن رضی‌الدین بن حسن (۱۳۸۵)، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، دار الحدیث.
۱۹. کیایی، طاهره و زهره موسی‌زاده (۱۳۹۷)، «فرصت‌ها و تهدیدهای ساحت تربیت دینی و اخلاقی برنامه فلسفه برای کودکان»، تربیت اسلامی، دوره ۱۳، ش ۲۶، صص ۹۷-۱۱۵.
۲۰. گلستانی، سیدهاشم (۱۳۸۰)، «نقد و تحلیل تربیت اخلاقی از نظر بعضی از متفکران اسلامی»، علوم تربیتی و روان‌شناسی، ش ۷، صص ۱۱۵-۱۳۰.
۲۱. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶)، بحار الانوار، ج ۹۱ و ۱۰۴، تهران: اسلامیه.
۲۲. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۳)، حکمت‌نامه کودک، ترجمه عباس پسندیده؛ چ ۹، قم: مؤسسه علمی و فرهنگی الحدیث.
۲۳. موحدی پارسا، فاطمه و دیگران (۱۳۹۷)، «امکان تربیت اخلاقی کودکان تا هفت سال براساس آموزه‌های اسلام (آیات و روایات)»، تربیت اسلامی، دوره ۱۳، ش ۲۶، صص ۷-۲۴.
۲۴. میالاره، گاستون (۱۳۷۵)، معنی و حدود علوم تربیتی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: دانشگاه تهران.
۲۵. میناگر، عبدالرضا (۱۳۸۱)، اخلاق و تربیت اسلامی، بروجرد: فروغ ماه.
۲۶. نجارزادگان، فتح‌الله (۱۳۸۸)، رهیافتی بر اخلاق و تربیت اسلامی، قم: معارف.



۲۷. نوری، میرزا حسین (۱۳۰۸ق)، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، بیروت: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء تراث.

۲۸. وجدانی، فاطمه (۱۳۹۷)، «بررسی انتقادی مدل تربیت اخلاقی تلفیقی مبتنی بر ایده‌ی خبرگی اخلاقی»، فلسفه تربیت، ش ۲، صص ۱۱۵-۱۴۲.

۲۹. یوسفیان، نعمت‌الله (۱۳۸۹)، تربیت دینی کودکان، قم: زمزم هدایت.

30. Bernard. G (1989), *Morality: A new justification of the Moral Rules*, New York: Oxford.

31. Flanagan.O.(1991), *Varieties of Moral Personality*, Cambridge .MA: Harvard Univerdity Press.

32. Kagan.J.and Lamb.S.(eds) (1987), *the emergency of Molarity in Young Children*, Chicago, IL: University of Chicago Press.

